



-۳-

متن اقتراح :

- ۱ - موسیقی چگونه و تا چه حد به قدرت بیان سینما یاری می‌دهد و بنظر شما وجود آن در فیلم تا چه میزان مهم و ضروری است ؟ و آیا فی‌المثل اصلاً می‌توان در تهیهٔ يك فیلم از موسیقی صرف‌نظر کرد؟
- ۲ - با توجه به مقتضیات سینما که چه‌با استقلال عمل آهنگساز را محدود می‌سازد، آیا آثاری که از نظر هنر موسیقی با ارزش باشد در سینما بوجود می‌تواند آمد و اصولاً بنظر شما در باب نحوهٔ همکاری کارگردان و آهنگساز چیست؟

رتال جامع علوم انسانی

محمدقلی سیار

کارگردان و نویسنده

از لحظه‌ای که بشر توانست عطف احساس خود را در پرتو رنگها ،  
هیاهوی کلمات، فریاد جنبش‌ها و خاموشی سنگها فرو نشانند قرن‌ها می‌گذرد.  
نتیجه ادامه این تلاش پیدایش فضای بی‌انتهای هنر در جهان اندیشه ماست.

درسیر تکامل این حیات هنری، در نقطه تقاطع هنرها، سکوت شکسته شد و هنر فیلم پا بر عرصه وجود نهاد. فیلم از کلیه هنرها الهام گرفت تا لحظات زود گذر را متوقف ساخته با آنها عمر جاوید بخشد.

با آفرینش این هنر، هنرمندان راه تازه‌ای برای انعکاس احساسات و عواطف خود یافتند.

در آغاز پیدایش هنر فیلم پایه گزاران آن معتقد بودند که تنها بایوند صحنه‌ها و تداوم تصاویر میتوان راه بی‌پایان این هنر را پیمود و با ایمان باین حقیقت توانستند آثار ارزنده‌ای بوجود آورند.

وقتی سکوت تصاویر شکسته شد و نوار صدا در حاشیه تصویر قرار گرفت هنرمندان بزرگی چون ایزنشتین، پودوفکین و چاپلین در پذیرش آن مردد بودند چون تصویر را در این هنر مجرد میدانستند و عامل خلاقه آنرا در گویائی صحنه‌های میمودراماتیک تصاویر مینداشتند مثلاً میگفتند که اگر مجسمه عیسی سخنی از بی‌کناهی بر لب داشت این سخن زیبایی هنر پیکر - تراشی را درهم میشکست و هزاران نکته‌ایکه در سکوت ابدی لبهای عیسی پنهان بود تنها بیک حرف تبدیل میشد.

آنها باین سکوت مقدس که الهام بخش لطیف‌ترین اندیشه هاست و تماشاگر را بسرای خاموش تخیلاتش میکشاند ایمان داشتند. ولی باید اضافه نمود که مخالفت این عده با گذاشتن صدا در حاشیه فیلم مخالفت با موسیقی فیلم نبود چه قبل از اینکه صدا در حاشیه تصویر قرار گیرد هنگام نمایش فیلم نوازندگان آنرا همراهی میکردند. باید گفت همانقدر که رنگها و سطوح در بیان تصاویر نقشی دارند موسیقی نیز در آرایش این هنر مؤثر است اما این آرایش هنری باید بنحوی انجام گردد که زیبایی حقیقی تصویر لطمه‌ای وارد نسازد. موسیقی نباید از مرز تصاویر عبور نموده در وسط تالار نمایش شنیده شود. تصویر و موسیقی باید آنقدر در ریتم و احساس پیوستگی داشته و همگام پیش بروند که جدائی آنها از هم دشوار گردد و شاید چنین موسیقی‌ای به تنهایی دارای چندان ارزشی نباشد. بهمین علت استراوینسکی از کمپوزیتور - هائیکه در تهیه موسیقی فیلم کار میکنند بالغت « محکوم » یاد مینماید. او معتقد است که فیلم بدست دیگری ساخته و پرداخته میشود و کمپوزیتور که آرایشگر این بناست محکوم است که برای مدتی در بین دیوارهای آن زندگی

کند و فضای خالی تصاویر را با موتیف‌های مختلف موسیقی پر نماید. بهمین علت موسیقی فیلم شکل ثابتی نداشته و باقتضای عوامل مختلف تصویر بفرم‌های گوناگون جلوه میکند. گاه چون آوای رهگذری تنها از پس قابهای تصویر عبور نموده در بیچه خاطرات را بروی ما می‌گشاید. زمانی بصورت نغمه‌ای آسمانی جلوه گرفته تماشاگر را در مقابل تصویر به ستایش وادار می‌سازد. هنگامی بصورت انعکاس سرگردان فریادی درآمده، شراب تلخ در کام لحظه‌های سکوت میریزد و گاه در زیر گام اسبها، لابلای دنده چرخها و در پرواز موشکها، دلهره‌ای فریبا ایجاد کرده، تماشاگر را به - پرتگاه احساس میکشاند در اینصورت باید گفت که: موسیقی یکی از عوامل آفریننده فیلم است و میتواند با نیروی نامرئی خود تصویر را از سکوت تنهایی رهائی بخشیده تماشاگر را در محیط احساس تصویر، طواف دهد.

کمپوزیتورها بایستی بردن بمضامین روانی تصویر و آشنائی بادستور زبان فیلم آهنگ‌هایی تنظیم مینمایند که با تصاویر هم‌آهنگی و تلفیق کامل داشته‌هاله‌ای از احساس در اطراف کارا کترها بوجود آورد.

در صفحات گذشته تاریخ هنر سینما آثار پرارزشی که کمپوزیتورهای بزرگ برای آن آهنگ ساخته‌اند و تصاویر زنده‌ای که کارگردانان نامی از روی آهنگ‌های ساخته‌شده خلق نموده‌اند بچشم می‌خورد. باید گفت برای ابداع يك امر بزرگ سینمایی کارگردان و کمپوزیتور همگام پیش می‌روند تا بتوانند به مدیوم فیلم که يك فنومن سمعی و بصری است مسلط شده تماشاگران را در فاصله صدا و تصویر نگهدارند. البته تکامل هنر سینما بدست فرداها سپرده شده است همانطور که کارگردانان آینده در خلق تصاویر نو بترازهای تازه‌ای پی خواهند برد بطور یقین موسیقی فیلم دستخوش تحولاتی خواهد شد.